

منجمین و پیشگویی در امور نظامی در عصر عباسی

محمود رحمانی قورتانی*

چکیده

پیشگویی و اخترشماری در امور نظامی از ویژگی‌های لشکرکشی‌ها در طول تاریخ بخصوص در قرون اولیه اسلامی می‌باشد. هرچند در صدر اسلام این پیشگویی‌ها جایی در بین تاکتیک‌های نظامی مسلمانان نداشت، لیکن پس از جذب تمدن‌های قدیمی بخصوص تمدن ایرانی در تمدن اسلام به تدریج پیشگویی و اخترشماری نیز از مهمترین امور فرماندهان جنگ شد. این پژوهش با تکیه بر منابع تاریخی و با رویکردی توصیفی و تحلیلی در پی بازنمایی تأثیر ایرانیان در بکارگیری و رواج اخترشماری در امور نظامی بوده و نشان داده است که همزمان با استقرار دولت عباسیان بر مبنای ایرانی این وجه از تمدن ایرانی در تمدن اسلام بکار گرفته شده است.

واژگان کلیدی: پیشگویی، اختر شماری، دولت عباسی، امور نظامی.



* کارشناس ارشد تاریخ rahmani.2544@gmail.com

پیشگویی و اخترشماری در امور نظامی از ویژگی های لشکرکشی ها در طول تاریخ بویژه در قرون اولیه اسلامی می باشد. در دوره باستان بخصوص در عهد تمدن های بین النهرین همواره کاهنان و اخترشماران عنصر مهمی در سیاست گذاری ها و امور کشوری و لشکری محسوب می شدند. لیکن پس از پیدایش ادیان توحیدی جایگاه ایشان رو به افول نهاد. پس از ظهور دین مبین اسلام آن بخش از علم نجوم که به پیشگویی و طالع بینی می پرداخت بکلی مطرود گشته و تنها علم هیئت که مربوط به تفکر و تدبیر در افلاک و ستارگان می شد مورد توجه قرار گرفت. هرچند در صدر اسلام پیشگویی و طالع بینی جایی در بین سیاست ها و تاکتیک های نظامی مسلمانان نداشت، لیکن پس از جذب تمدن های قدیمی بخصوص تمدن ایرانی در تمدن اسلام به تدریج پیشگویی و اخترشماری نیز از مهمترین امور فرماندهان جنگ شد. هدف از این پژوهش تبیین و بازنمایی جایگاه ایرانیان در رواج پیشگویی در امور نظامی مسلمانان در عصر عباسیان بخصوص در دوره اول این سلسله که بحق بر مبانی ایرانیان شکل گرفته بود می باشد.

پیش زمینه تاریخی

منجمین و اختر شماران از جمله مهمترین و با نفوذترین اشخاص در امور لشکری و کشوری در دوره باستان بوده اند. در قدیمی ترین تمدن ها تا اولین امپراتوری ها کاهنان و جادوگران نقش بسیار مهمی را در زندگی اجتماعی مردمان ایفا می کردند. ستاره شناسی از قدیم شامل دو علم می شد، اول علمی که در حرکات و موضع های ستارگان و احکام آن از نظر خسوف و کسوف گفتگو می داشت. دوم آنکه ارتباط وضع کواکب را با حوادث زمین از قبیل جنگ، صلح، سعد، نحس، مرگ، تولد، باران، آفتاب و مانند آن شرح میداد. (زیدان، ۱۳۸۶، ۶۱۰)

با پیدایش ادیان توحیدی کم کم این معرکه گیری ها کمرنگ و با ظهور اسلام بکلی از بین رفت. جدای از امور سیاسی و مملکت داری که این منجمان و پیشگویان از زمره افراد مؤثر بودند که در امور لشکری نیز می توان نقش ایشان را پیگیری نمود. در برخی موارد پیش بینی های ایشان درست و برخی موارد نیز اشتباه از آب در می آمد، لیکن اهمیت نجوم در ایران نزد امرا از آنجا است که در باب سی و چهارم قابوس نامه، امیر عنصرالمعالی فرزند خویش گیلانشاه

را به فراگیری علم نجوم سفارش می‌کند. چراکه به نظر وی «علم احکام نجوم علمی وافر است» (عنصرالمعالی، ۱۳۳۵، ۱۶۱) در ایران باستان منجمان و اختر شماران به هنگام جنگ‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کردند و از جمله تعیین زمان شروع و پیشروی جنگ و پیش‌بینی فتوحات و راهنمایی و کمک به فرماندهان بر عهده این افراد بود. بعنوان مثال منجمان و پیشگویان هرمزد فرزند انوشیروان خطر فرستادن بهرام چوبین به مصاف ترکان را به وی گوشزد نمودند. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۰۵) اما از مهمترین منجمین زمان ساسانی رستم سردار ایرانیان در قادسیه بود. در نامه ای که رستم به برادرش نوشته است و در شاهنامه به نظم کشیده شده است، مهارت رستم در اختر شماری و پیش‌بینی پایان نبرد با اعراب مشهود می‌باشد. در طی این جریان رستم بواسطه علم اختر شماری خود پایان این نبرد که به سود اعراب مسلمان بود را پیش‌بینی نموده و آن را به برادرش گوشزد می‌کند:

بدانست رستم شمار سپهر	ستاره شمر بود و باد و مهر
همیگفت کاین رزم را روی نیست	ره آب شاهان بدین جوی نیست
بیاورد صلاب و اختر گرفت	ز روز بلا دست بر سر گرفت
یکی نامه سوی برادر بدر	نبشت و سخن‌ها همه یاد کرد

(فردوسی، ۱۳۸۶، ۸۰۲)

اسلام و پیشگویی

با ظهور دین مبین اسلام و مخالفتی که این آسمانی با دانش‌هایی که با یکتا پرستی منافات داشت، آن وجه از علم ستاره شماری و اختر دانی که به غیب‌گوئی و پیش‌بینی حوادث مربوط و موجب تردید در اسلام می‌شد کنار گذاشته و افرادی نظیر پیشگویان و جادوگران مطرود شدند. بخصوص در زمان حضرت علی (ع) که این حضرت با این گونه پدیده‌ها مخالفت می‌نمودند:

«حضرت امیر المومنین علی علیه السلام با لشکر از کوفه بیرون آمد تا بجنگ رود مردی منجم پیش وی آمد و گفت: یا امیر المومنین امروز روز بدیست مرو بدین سفر، گفت: از کجا می

گوئی؟ گفت: از فلان ستاره که این ساعت در فلان برج است، گفت: من هرگز این ستاره بشنیده ام. حضرت امیر المومنین علیه السلام گفت: پس در گرد این دیر درهم چند نهاده است هیچ میدانی که چند است؟ گفت: چه دانم که هرگز نشمرده ام، پس امیر المومنین علیه السلام گفت: تو از آسمان خبر نداری و از زمین نیز خبر نداری نجوم از کجا می گوئی؟ پس روی با قوم کرد گفت: سخن ایشان باور مدارید که هر که سخن ایشان راست کرد کلام خدا را بدروغ داشته و ایشان چون کاهنند و کاهن همچو جادوی است و جادو در آتش دوزخ باشد با کافران، اما خواب روا بود. (قضاعی، ۱۳۶۱، ۱۲۶-۱۲۵)

عباسیان و پیشگویان لشکر

در دوره حکومت عربی اموی نیز کاهنان، جادوگران و اخترشماران جایی نه در بین مقامات درباری و نه در دیگر پست های حکومتی نداشتند. لیکن با تشکیل دولت عباسیان بر مبانی ایرانی بار دیگر منجمین و پیشگویان فرصت یافتند تا در بخش های مختلف به خدمت بپردازند. بنابه شواهد تاریخی اولین خلیفه ای که منجمان را به خود نزدیک گردانید و «به قول ارباب تنجیم عمل نمود منصور بود.» (خواندمیر، ۱۳۷۲، ۹۲)

ایرانیان در آنروز از ستاره شناسی اطلاع داشتند و لذا منصور جمعی از ستاره شناسان ایرانی را بخدمت خویش خواند و مشهورترین آنان خاندان نوبخت زردشتی است که بدست منصور اسلام آورد. (زیدان، ۱۳۸۶، ۵۵۳) جدای از خاندان نوبخت در عهد منصور عباسی منجمین بسیاری ایفای نقش می کردند که می توان به همچنین ابراهیم الفزاری، حجاج بن ارطاط و خالد برمکی را نام برد. (کانپوری، ۱۳۴۸، ۹۱) بنابر رأی منجمین عصر عباسیان هیچ یک از خلفای اسلام نمی تواند بیشتر از بیست و چهار سال سلطنت کند، و نیز ایشان گفته بودند که خلافت از دست پسران عباس بیرون خواهد شد و کنگه هندی منجم هارون الرشید این مطلب را آشکارا بیان نموده و اظهار داشته بود که خلافت به مردی که از اصفهان خروج می کند خواهد رسید. (بیرونی، ۱۳۵۲، ۱۷۵) خلیفه دوم عباسی تا بدانجا به به این عقاید اعتقاد داشت که خود نیز از زمره منجمان شمرده می شد چنانچه وی در ذی الحجه سال ۱۵۸هـ، به مکه بر دیواری این دو بیت نوشته دید که پس از خواندن آن فوت نمود:

ابا جعفر حانت وفاتک و انقضت سنوک و امر الله لا بد واقع

چنانچه مشاهده می شود منجمین و پیشگویان در تمامی امور حکومتی عباسیان دخالت می نمودند. از راهنمایی های این منجمان در امور نظامی نیز می توان به حادثه شورش ابراهیم بن علی اشاره کرد که نوبخت منجم نوید پیروزی در این واقعه را به منصور داده بود و جریان آن را طبری چنین بیان می کند:

«... نیبخت [نوبخت] منجم به نزد ابوجعفر رفت و گفت: «ای امیر مومنان، ظفر از آن تُست و ابراهیم کشته می شود.» اما این را باور نکرد. گفت: «مرا به نزد خویش بدار، اگر کار چنان که بتو گفتم نبود مرا بکش» گوید: در این اثنا خبر هزیمت ابراهیم بدو رسید و شعر معقر بن اوس بارقی را به تمثیل خواند به این مضمون:

«عصای خویش را بینداخت و به جای خود آرام گرفت

چنانکه دیده مسافر از بازگشت آرام می شود»

گوید: پس ابوجعفر دو هزار جریب از شهر جویر را تیول نیبخت کرد.» (طبری، ۱۳۶۳، ۴۹۱۲)

ابومسلم نیز از فرجام خویش اطلاع داشته و می گفته بود که «به خدا من در روم کشته خواهم شد» و منجمان این موضوع را قبلاً گفته بودند. (طبری، ۱۳۶۳، ۴۶۹۷) در زمان مهدی نیز منجمان به فعالیت مشغول بودند که زیر نظر تئوفیل پسر توما منجم مسیحی از مردم رها انجام وظیفه می کردند. (ابن عبری، ۱۳۷۷، ۱۷۵) آنچه را در باب ابومسلم در باب فرجامش منجمین گفته بودند در باب هارون نیز بر سر زبان ها انداخته بودند و آن این بود که منجمین گفته بودند مرگ رشید در سرزمین طوس خواهد بود و «رشید گفت که من هرگز بزمین طوس نخواهم رفت. تا آنکه در خراسان رافع بن لیث بن نصر بن سیار خروج کرد و کارش قوت گرفت، پس رشید را اهل مشورت گفتند که دفع آن میسر نیست تا بنفس نفیس متوجه آن نشوی، و رشید آن را مکروه می داشت. گفتند که مصالح ملک را بقول منجمی نتوان از دست داد، و ما جمع میان دو مصلحت می کنیم چنانکه می رویم بخراسان بر وجهی که باشد میان ما و زمین

طوس مسافت بعیده، چون به نیسابور رسیدند راه خطا کردند در بعضی از شبها، پس راندند مراکب را راندن تند و ناگاه بوقت صبح خود را بر دروازه طوس دیدند، و رشید را لزره گرفت و خواست که برگردد از آنجا، از غلبه بیماری میسر نشد و مرض اشتداد پذیرفت تا آنکه از جهان درگذشت و بهمانجا مدفون گشت. (قزوینی، ج ۲، ۱۳۷۱، ۱۵۸)

اما اوج کار منجمان در عصر مأمون بود. دردوره این خلیفه عباسی، ستاره شناسی علمی به تندی پرورش یافت. در سده دوم هجری نوشته های پارسی و هندی به عربی ترجمه شد و علم نجوم پیشرفت نمود. از منجمان در عصر مأمون حبش حاسب مروزی است که صد سال در جهان بزیست. دیگر از منجمان این عصر، احمد بن کثیر فرغانی است، صاحب کتاب المدخل الی علم هیئة الافلاک، دیگر عبدالله بن ابی سهل بن نوبخت است، دیگر محمد بن موسی خوارزمی است، دیگر از منجمان این عصر، ماشاءالله یهودی است که از زمان منصور تا عصر مأمون زندگی کرد، دیگر یحیی بن ابی منصور بود. مأمون همواره با جماعتی از این منجمان همنشین بود. (ابن عبری، ۱۳۷۷، ۱۸۹) در ابتدای نبرد مأمون و امین منجمان بزرگی چون فضل بن سهل ذوالریاستین پیروزی خراسانیان و مأمون بر عراقیان و امین را پیش بینی نموده بودند. (مستوفی، ۱۳۳۹، ۳۰۸) به قولی نیز منجمی اهل کابل به نام دوبان این پیروزی را به دست شخص اعور دانسته که فضل بن سهل این نشان ها را در طاهر یافته بود. (مجله التواریخ والقصص، ۱۳۱۸، ۳۴۹)

«...وقتی طاهر آماده نبرد شد و مهیا شد که محمد را از ولایت های خراسان دفع کند. به قولی عبدالله [مأمون]، فضل بن سهل را پیش خواند و درباره محمد با وی مشورت کرد که گفت: "ای امیر، امروز را مهلتم ده، صبحگاهان می آییم و رأی خویش را می گویم"

۲۱

گوید: پس همه شب را در اندیشه گذرانید و صبحگاهان پیش عبدالله رفت و بدو گفت که در ستارگان نظر کرده و دیده که او بر محمد غالب می شود و سرانجام از آن وی است. پس عبدالله برجای خویش بماند و بر نبرد و مقابله محمد یکدله شد. (طبری، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۵۴۵۱)

گاهی خلاف رأی منجمین عمل نمودن موجب پیروزی می شد، نظیر فتح عموریه توسط معتصم که در سال ۲۲۳هـ بوقوع پیوست: «معتصم عزیمت روم کرد. منجمان حکم کردند که استخلاص بلاد روم بوقت دخل انجیر باشد. معتصم علی رغم ایشان، در زمستان سرد برفت و عموریه که معظم ترین بلاد روم مسخر گردانید.» (مستوفی، ۱۳۳۹، ۳۱۷) و گاهی نیز عمل نمودن به رأی منجمین و پیشگویان برای لشکری گران تمام شده و موجب شکست بر سپاهیان می شد، چنانکه در باره حریف طاهر ذوالیمینین یعنی علی بن عیسی آورده اند که:

گوید منجم علی [ابن عیسی] به نزد وی آمد و گفت: «خدای امیر را قرین صلاح بدارد چه شود اگر برای حرکت در انتظار صلاح ماه بمانی که نحوست بر آن غالب است و سعد از آن افتاده و برفته»

علی گفت: «ای غلام مقدمه دار را بگوی طبل خویش را بزند و پرچم را پیش ببرد که ما فساد و صلاح ماه را نمی شناسیم، جز اینکه هر که با ما مقابله کند با وی مقابله می کنیم. هر که با ما به صلح باشد با وی به صلح باشیم و از او دست می داریم و هر که با ما نبرد کند و پیکار کند شمشیر را از خونش سیراب می کنیم. از فساد ماه باک نداریم که تصمیم داریم در نبرد نیک بکوشیم و با دشمن کارزار کنیم.» (طبری، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۵۴۵۴)

نتیجه گیری

با توجه به مطالب فوق الذکر می توان نقش ایرانیان در رواج پیشگویی در امور مملکتی بخصوص در امور نظامی را مهم ارزیابی نمود چراکه بنا بر اقوال مورخان و محققان به کوشش ایرانیان و استفاده از دستاوردهای ایشان بود که دولت عباسی امور خویش بالاخص امور نظامی را بر طبق پیشگویی های حاصل از اخترشماری ای که منجمین ایرانی همچون خاندان نوبخت و برمکیه و فضل بن سهل با توجه به میراث اسلاف باستانی خویش پی ریزی می نمودند، به اجرا در می آوردند. این وجه از خدمات ایرانیان به تمدن اسلام خود موجب پیشرفت علم نجوم و هیئت در دوره ای که عصر زرین فرهنگ و اوج تمدن اسلام شمرده می شد گشت.

- ابن عبری، گریگوریوس ابوالفرج ابن اهرن (۱۳۷۷): **مختصر الدول**، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، علمی فرهنگی.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۲): **آثار الباقیه**، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، ابن سینا.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین الحسینی (۱۳۷۲): **مآثر الملوك**، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۶): **تاریخ تمدن اسلام** (۵ ج در ۱ مجلد)، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، چاپ دوازدهم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳): **تاریخ الرسل و الملوك** (ج: ۲ و ۱۲)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ دوم.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۳۵): **قابوس نامه**، تصحیح امین عبدالمجید بدوی، تهران، ابن سینا.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶): **شاهنامه**، به تصحیح ژول مول، تهران، بهزاد، چاپ دهم.
- قضاعی، قاضی (۱۳۶۱): **شرح فارسی شهاب الاخبار**، تصحیح و تعلیق سید جلال الدین حسینی ارموی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- کانپوری، محمد عبدالرزاق (۱۳۴۸): **برمکیان یا دورنمائی از عصر طلایی اسلام و دستگاه خلفای عباسی**، ترجمه سیدمصطفی طباطبائی و رام.ه. بودراجا، تهران، کتابخانه سنائی.
- مجمل التواریخ و القصص (۱۳۱۸): تحقیق ملک الشعراء بهار، تهران، کلاله خاور.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۹): **تاریخ گزیده**، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲): **تاریخ یعقوبی** (۲ ج)، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی فرهنگی، چاپ نهم.